



ماهنامه‌ی
کوچه
جمعیت خیریه غدیر
شماره بیست و هشتم
تیر ۱۳۹۹



گوروندا

سلامت روان و اولویت‌ها

تبیین جامعه‌شناختی قتل رومینا

به نام خدای مهربان

مینا فتوحی

چه مشتاقانه با سازی منزّه، سخن می‌گفت از کیش و خدایش
سخن از سرزمینی دور می‌گفت، نه با لب‌ها که با انگشت‌هایش

بسان نیروانا بود، یعنی کسی مصداق «ظلماتِ الی النور»
به تأویلی، طریق دیگری داشت نماز مغرب و صبح و عشایش

تمام کائنات از جمله انسان، کبوتر، شمعدانی، ابر، باران
به جز تسکینِ هر آشفتگی‌شان نمی‌دیدند در دارالشفایش

به خوابم دیده بودم پیرمردی، کسی شاید شبیه خضر و موسی
دو نیم از روح تن‌آلود من را به هم پیوند می‌زد با عصایش

تبیین جامعه‌شناختی قتل رومینا

دکتر علی نوری / جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه

تحلیل رخداد قتل رومینا و موارد مشابهی که روزانه در صفحات حوادث روزنامه‌ها به چشم می‌خورد، نیازمند توجه به نقطه کانونی و دلیل اصلی این قبیل فجایع است. به نظر می‌رسد تغییر سبک زندگی در جامعه ایران که متأثر از تغییرات در سطح جهانی است، می‌تواند به تبیین این موضوع کمک کند. گسترش ارتباطات در فضای مجازی، کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی، ناکارآمدی روش‌های تربیتی گذشته برای نسل کنونی، از هم‌گسیختگی خانواده‌ها، نبود مرجعی برای حل تعارضات خانوادگی و شکاف نسلی ناشی از تغییرات سریع اجتماعی، از جمله مواردی هستند که در راستای تغییر سبک زندگی می‌توان به آنها اشاره کرد. البته این فجایع را می‌توان در جوامع مختلف و به انحاء گوناگون مشاهده کرد که در اینجا موضوع بحث ما نیست. آنچه اهمیت دارد این است: در جامعه اسلامی که بر اساس اصول اعتقادی و ارزش‌های آن، کشتن یک نفر مانند کشتن تمام انسان‌ها تلقی می‌شود، چگونه می‌توان این حد از خشونت را شاهد بود؟ لذا برخلاف بسیاری از تحلیل‌ها و ادعاها، ارزش‌های جامعه ما در عصر حاضر، تنها نزد نسل جوان کم‌رنگ نشده است، بلکه نسل قدیم هم پایبندی عملی کمتری نسبت به ارزش‌ها دارند. کم‌رنگ شدن ارزش‌ها، نهادهای سنتی جامعه را که مسوول حل و فصل اختلافات خانوادگی بودند، از بین برده است. مواردی نظیر اختلاف رومینا و پدرش در گذشته توسط نهاد ریش سفیدی و از طریق مشورت با بزرگان فامیل قابل حل بود. امروزه با از دست دادن نهاد مذکور، نهاد دیگری جایگزین آن نشده است. موضوع بنیادی دیگر، سرعت تغییرات اجتماعی است که تحت تاثیر تسهیل ارتباطات با سایر جوامع، گسترش اینترنت و فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی، در حال وقوع است. جالب آنکه در مسیر این تغییرات، زنان در حال آگاه شدن به حقوق خود و دست‌یابی به برخی از حقوق‌شان هستند، اما چون مردان جامعه احساس می‌کنند این تغییرات به بهای از

دست دادن برخی مزایا برای آنان خواهد شد، در مقابل تغییر مقاومت می‌کنند. در نمونه رومینا مشاهده می‌شود که پدر بر اساس ارزش‌های سنتی و دینی جامعه توقع دارد دخترش با اجازه او ازدواج کند، اما رومینا بر اساس ارزش‌های دیگری که در ذهن خود دارد، منطق پدر را نمی‌پذیرد. در واقع تعارض بین دو دسته از ارزش‌ها سبب نزاع و درگیری بین این دو نفر می‌شود. به نظر می‌رسد از عوامل اساسی به وجود آورنده این وضعیت، ساختار اجتماعی ناکارآمد و معیوب جامعه است. فقدان آگاهی بخشی، نبود مکانیسم حل تعارضات، نبود سازمان‌های مردم نهاد توانمند در حوزه خانواده، عدم آموزش کنترل خشم و عدم توجه به استانداردهای سلامت روانی افراد از جمله عیوب ساختاری جامعه ما هستند. برای مقابله با این شرایط لازم است این ضعف‌ها در سطح کلان و میانی مورد توجه نخبگان و مدیران جامعه قرار گیرند. در این زمینه انتظار این است که صدا و سیما و سایر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به نقد ساختارهای ناکارآمد به وجود آورنده این وضعیت بپردازند، به امید آنکه به راهکارهای مناسبی جهت عدم تکرار این فجایع منتهی شود.



کرونیا

سلامت روان و اولویت‌ها

رضا جاویدنسب

سیل، زمین لرزه، طوفان، آتشفشان، سونامی و همه‌گیری‌ها، مهمانان ناخونده بشر در ادوار مختلف زندگی بشری بودند. گاه خود انسان عاملی در جهت سرعت بخشیدن به روی دادن آنها بوده و گاه دستان طبیعت پایه گذار این حوادث. علت هرچه که باشد بر زندگی ما و نسل ما تاثیر فراوان گذشته است. احتمالاً در روزها و ماه‌های اخیر در خصوص یکی از این مهمانان ناخوانده مطالب زیادی دیده و شنیده‌اید و این مطلب هم جدای از آنها نیست. مطالعاتی که از تاثیرات مثبت همه‌گیری کووید ۱۹ تا آثار مخرب آن بیان شده است. بدون تردید کووید ۱۹ یا همان کرونای خودمان تاثیر بسیار زیادی بر زندگی همه‌ی ما داشته و دارد و شاید این تاثیر تا آخر عمر همراهمان باشد البته جنس، کیفیت، نوع و تاثیر آن نظیر سایر مسائل دیگر از فرد به فرد تا فرهنگ به فرهنگ و جوامع به جوامع متغیر خواهد بود. این حال نمی‌توان نفس تغییر و تاثیر را کتمان کرد. حتماً ضرب‌المثل معروف "جنگل که آتش بگیرد تر و خشک را با هم می‌سوزاند" را شنیده‌اید. این ضرب‌المثل در مورد وقایع فوق نیز صدق می‌کند. به این معنا که شما می‌توانید ساکن بوری هیلز آمریکا یا شمال تهران باشید و به کرونا مبتلا شوید و چنانچه سیستم ایمنی ضعیفی داشته باشید توام با کمی کم‌شانسی جان خود را از دست بدهید یا اینکه ساکن حاشیه شهر باشید از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار نباشید و به این ویروس مبتلا شوید. منتها در این مورد خاص یک "اما"ی بسیار بزرگ به خوبی خود نمایی می‌کند و آن این است که با وجود ابتلا شدن هر دو گروه (یا سایر گروه‌های جامعه) تاثیر این مورد بر همگان یکسان نیست. گروه‌های برخوردار با اینکه در معرض این آسیب هستند اما نهایتاً باید آثار روانی آن را تحمل کنند ولی طبقات ضعیف ضمن اینکه متحمل آسیب‌های روانی شدید آن هستند باید با عنصر دیگری که حیات آنها را به خطر می‌اندازد نیز مدام در چالشی همیشگی باشند. چیزی که گروه‌های ضعیف درگیر آن هستند مسائل اقتصادی و مالی می‌باشد که در دروان همه‌گیری‌ها به شدت بر وضعیت سلامت روانی و حتی زیست آنها تاثیر می‌گذارد. مطالعه آثار فیلسوفانی چون اپیکور یا مطالعات روانشناختی حاضر،

همه بر یک چیز اتفاق نظر دارند و آن این است امکان رشد، پیشرفت و بهره‌مندی از سلامت روان، با داشتن حداقلی از توانایی مالی، امکان پذیر می‌باشد و بدون داشتن حداقل‌های یک زندگی صحبت کردن از آن موارد محلی از اعراب نخواهد داشت. بنابراین با در نظر گرفتن شرایط فوق می‌توان گفت گروه‌های ضعیف که در شرایط معمول مشکلات زیادی را داشته‌اند و روان و جسم آنان به یاری‌گری نیازمند بوده در دوران همه‌گیری که با کاهش شدید درآمدها به واسطه اخراج شدن، مرخصی اجباری و... روبرو هستیم، به اتخاذ تدابیری که در ابتدا بقاء و حیات این گروه‌ها را تضمین نماید نیاز بیشتری دارند و به دنبال آن می‌توان برنامه‌های سلامت روان را با کیفیت بهتر به اجرا در آورد.

پیوست این مقدمه طولانی مقاله‌ای از خانم راجل برگس روانشناس سلامت از University College London تقدیم می‌گردد که در خصوص بحران کرونا و گروه‌های در معرض خطر می‌باشد.

اوایل شیوع COVID-۱۹، من شگفت زده شده بودم و از این که سلامت روان توجه کافی را به خود جلب می‌کرد، احساس تعجب کردم. سازمان بهداشت جهانی دستورالعمل‌هایی در مورد نحوه حمایت از سلامت روان در ماه مارس منتشر کرد. دولت انگلستان به سرعت با رهنمودهای بهداشت عمومی و پشتیبانی آنلاین از مکالمه سریع پاسخ داد. در ماه آوریل، "انجمن روانپزشکی لانست" خواستار تحقیقات چند رشته‌ای برای توسعه پاسخ‌های سلامت روان در طول همه‌گیری شد.

اما وقتی از نزدیک نگاه می‌کنم، با یک ناامیدی آشنا روبرو می‌شوم. بار دیگر، توصیه‌ها نیمی از معادله را فراموش می‌کنند: نیاز ما برای رسیدگی به شرایط اجتماعی و اقتصادی که به سلامت روانی ضعیف کمک کند. زنی که شغل خود را از دست داده است و نمی‌تواند خانواده خود را تغذیه کند، از برنامه مدیتیشن کمک خاصی دریافت نمی‌کند. توصیه‌هایی مانند "دوری از رسانه‌های اجتماعی" برای کاهش اضطراب یک مرد سیاهپوست از ترس مداوم از بیرون انداخته شدن از مغازه‌ها توسط نگهبانان امنیتی به دلیل پوشیدن ماسک، یا سوء استفاده یا حتی کشته شدن توسط مأموران اجرای قانون کمکی نمی‌کند. همچنانکه اختیارات جدیدی به رفتارهای اجتماعی پلیس داده شده است.

درگیر شدن با چنین آسیب‌پذیری‌های سیستماتیکی بخشی از زمینه تحقیق فعال روانشناسی جامعه‌ای است. با این حال، یافته‌ها از این زمینه اغلب توسط مردم و آژانس‌هایی که نقشه‌های سلامت روان را تهیه

می‌کنند، کاملاً مورد تأثیر قرار می‌گیرد، آنهایی که هنوز هم عمدتاً روی فرد متمرکز هستند. تقریباً هربار که به یک رویداد اصلی بهداشت روان برای مشارکت در زمینه تحقیق یا مشاوره سیاسی دعوت شده‌ام، تنها روانشناس جامعه‌ای در یک اتاق بسته‌بندی شده من هستم.

بیش از یک دهه است که من در سیستم‌های مراقبت از سلامت روان در جامعه در آفریقای جنوبی، کلمبیا و انگلستان تحقیق کرده‌ام. یکی از چالش‌هایی که آنها را متحد می‌کند، شکاف بین آنچه که گروه‌های فقیر و حاشیه نشین به عنوان علل چالش‌های سلامت روانی و توانایی خدمات در شنیدن و پاسخ دادن می‌دانند، است.

برای تعداد زیادی از مردم، جهان مکانی سخت و ناعادلانه قبل از فاجعه امسال بود. پیش از COVID-19، بیش از ۷۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان در فقر شدید زندگی می‌کردند، از هر ۳ زن یک نفر خشونت در طول زندگی خود را تجربه کرد و حدود ۷۰ میلیون نفر به اجبار از خانه‌های خود آواره شدند. تقریباً یک میلیارد نفر در زاغه‌ها زندگی می‌کردند، و دسترسی غیرقابل اطمینان به آب مناسب داشتند. میلیون‌ها نفر، غالباً رنگین پوستان، مشاغل نامناسبی داشتند. در سراسر جهان، میلیاردها نفر فاقد دسترسی به نیازهای اساسی بودند که سلامت روانی خوبی را ممکن می‌سازد. اکنون اوضاع حتی بدتر است.

افسردگی در حال حاضر عامل اصلی ناتوانی در سطح جهان بوده است و به شدت با فقر در کشورهای کم درآمد و متوسط همراه بوده است. اینها مکان‌هایی است که پیش‌بینی می‌شود COVID-19 با شدیدترین میزان برخورد کند. تحقیقات موجود به ما می‌گوید آنچه می‌توان انتظار چه چیزی را داشت. مدل باربارا دوهرنوند برای اینکه چگونه سلامت روان با استرس اقتصادی و اجتماعی ارتباط دارد، دو چیز را نشان می‌دهد. اول اینکه، این علل اجتماعی، یا فشار اقتصادی، افزایش مواجهه با خشونت و عدم امنیت غذایی مرتبط با فقر، همراه با کاهش دسترسی به شبکه‌های تأمین اجتماعی مانند بانک‌های مواد غذایی، حمایت از درآمد یا خانواده یا دوستانی که می‌توانند وام ارائه دهند، احتمال ابتلای افراد به مشکلات روحی و روانی همه افزایش می‌یابد. دوم اینکه، کسانی که در شرایط روحی و روانی پیش از وضع وجود به سر می‌بردند در معرض خطر "رانس اجتماعی" هستند، که در آن سلامت روانی در معرض قرار گرفتن فرد در برابر شوک‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و به فقر آنها دامن می‌زند.

(۹۵۲-۹۴۶، ۲۵۵، BP Dohrenwend et al. Science ۱۹۹۲). پژوهش‌های تجربی از آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که برای افرادی که در حال حاضر فقیر هستند، این پدیده بسیار بدتر است - و آنها به چرخه‌هایی از سلامت روانی و فقر قفل می‌شوند (۴۰۲-۳۹۶، ۲۲۹، C. Lund and A. Cois J. Affect. Disord. ۲۰۱۸). این چیزی است که من را در شب بیدار می‌کند و کمترین توجه را به خود جلب کرده است. ما نیاز به یک تصویرسازی مجدد از آنچه در مراقبت از سلامت روان به عنوان درمان در نظر گرفته شده است، داریم. در حال حاضر، استراتژی بهداشت روان COVID-۱۹ تحت تأثیر نگرانی از افزایش مرگ و میر ناشی از خودکشی، افزایش شیوع افسردگی و آسیب‌های عصبی احتمالی ناشی از ویروس قرار دارد و به درستی چنین است. اما برچسب زدن یک شرط باعث نمی‌شود که چالش‌های اجتماعی پیرامون آن از بین برود. من می‌دانم که منتقدان چه خواهند گفت: این که سیاست و اقتصاد فراتر از توان روانپزشکی است، یا این که تمرکز در اینجا واکنش‌های عادی در برابر آسیب‌های اجتماعی را پزشکی (پزشکی کردن مسائل اجتماعی) می‌کند. اما من می‌گویم که هر دو موضع، شخص را در قلب این همه معامله فراموش می‌کنند. ذهن از دنیایی که در آن زندگی می‌کند جدا نیست. اگر روانشناسی و روانپزشکی می‌خواهند واقعاً بیمار محور باشند، باید بسترهایی را توسعه دهیم که همزمان با هر دو درگیر شوند. ما به عملی نیاز داریم که محیط‌هایی را که می‌تواند مردم را بیمار کند، به رسمیت بشناسد و از تلاش‌هایی برای انجام کاری در مورد آن هست پشتیبانی کند.

آیا خدمات مشاوره تلفنی مردم را از ترس از خشونت خانگی، به بانک‌های مواد غذایی و یا خیریه‌هایی که پناهگاه اضطراری دارند، وصل می‌کند؟ باید بکند. آیا کمپین‌های بهداشت روان که برای حمایت‌های اجتماعی بهتر مدام مجادله می‌کنند تا افراد بیکار به واسطه قحطی از مرگ در هنگام قرنطینه نترسند، عمل می‌کنند؟ باید چنین بکنند. آیا می‌خواهید از این مقیاس اطمینان حاصل کنید؟ این حمایت‌ها خواستار کاهش بدهی در کشورهای کم درآمد و متوسط است تا بتوانند از پس پرداخت پول به جایی که بیشترین نیاز را دارند، پردازند. چنین رویکردهایی باعث می‌شود که برخی از آسیب پذیرترین افراد در مناطق روانی که فاقد توانایی مقابله با بحران‌های پیچیده هستند، از بیماری روانی جلوگیری کنند. آنها همچنین تفاوت زیادی در زندگی افراد دارای شرایط روحی و روانی موجود ایجاد خواهند کرد.

ارتباط انسانی مهم است. اما بدون غذا، سرپناه و ایمنی، امید زیادی برای حفظ سلامت روانی خوب در طول یا بعد از این بحران وجود ندارد. این امر به خوبی توسط برنامه کودک آسیب دیده در مرکز Marjorie Kovler در شیکاگو، ایلینویز، که توسط موسسه خیریه حقوق بشر Heartland Alliance International اجرا می‌شود، قابل درک است. این برنامه هنگام پاسخگویی به خدمات بهداشت روان خود در پاسخ به COVID-۱۹، پاسخ به نیازهای مالی، غذایی و آموزشی خانواده‌هایی را که در آن خدمت می‌کنند در اولویت قرار داد. لطفاً بیشتر از این کار کنید.

اقتصاد سیاسی سلامت روان همیشه دارای اهمیت بوده است، بنابراین اجازه ندهید که تلاش‌های خود را به اپلیکیشن‌های مدیریت اضطراب محدود کنیم. آنها به اندازه کافی برای مهار روزهای ناامیدی جواب گو نیستند.



روزنه

قسمت دوم

سلام امیدوارم حالتان خوب باشد، در قسمت قبلی یک معرفی کلی از روزنه داشتیم اینک یک حلقه مطالعاتی است، هر دو هفته یکبار جمعه‌ها جلسات ما برگزار می‌شوند، در هر جلسه مطالبی مطرح می‌شود و... این بار در این نوشته می‌خواهم راجع به روند کلی جلسات این ماه اخیر صحبت کنم. اول این را بگویم که هر جلسه تقریباً دو بخش دارد نخست مطلبی، مقاله‌ای، موضوعی داریم که یک یا چند از اعضا می‌آیند و ارایه می‌کنند. بعد بحثی داریم که اعضا درباره آن گفت و گو می‌کنند.

خب حالا برویم سر اصل مطلب که اصلاً موضوع این ارائه‌ها و این بحث‌ها در روزنه چیست و اینکه چه گره‌ای از زندگی ما باز می‌کنند:

ارائه‌ها: فیلسوف و استاد گرانقدر آقای مصطفی ملکیان که صاحب آثار ارزشمندی هستند را حتماً می‌شناسید. در روزنه ما چند اثر از ایشان را انتخاب کردیم که مطالعه و بررسی کنیم. در ماه اخیر سه اثر از ایشان یعنی "حکمت عملی مولوی" و "۱۲ آموزه مشترک عارفان جهان" و "عقلانیت و زندگی عقلانی" مورد بررسی قرار گرفت که دو موضوع اول ارائه‌شان تمام شد و موضوع سوم جاریست. کمی راجع به این موضوع عقلانیت بگویم. چند بخش مختلف دارد ولی در کل مضمونش این است که چه کنیم زندگیمان بر اساس عقل باشد. خب برای این منظور نشانه‌هایی را مطرح می‌کند که آثار زندگی عقلانی اند. یعنی اگر این موارد را در زندگی خود داشته باشیم و پیاده کنیم دارای زندگی عقلانی خواهیم بود.



بحث‌ها: بحثی که در این چند جلسه داریم به آن می‌پردازیم بحث کار کودکان (کودکان کار) است. اینکه بیاییم به شکل کلی آگاهی خودمان را نسبت به کودکان کار و خیابان افزایش دهیم و به کارهایی فکر کنیم که از دست ما به عنوان یک شهروند عادی برمی‌آید و تاثیر مثبت بر حل این معضل دارند که من سعی می‌کنم در ماهنامه‌های بعدی نتیجه این‌ها را به شما بگویم.

اینکه موضوع ارائه و بحث ما چه بود را گفتم. حالا این موضوعات به چه دردی می‌خورند مطلبی دیگر است: من تجربه خودم را می‌گویم. به نظر من آدم برای زندگی کردن آگاهی می‌خواهد خوب یک مقداری از این آگاهی از پدر از مادر از مدرسه از معلم و... کسب می‌شود و مقداری هم می‌ماند که سهم مطالعه است. از مطالعه می‌توان اطلاعات خوبی برای زندگی خوب کردن دریافت کرد حالا این مطالعه اقسام مختلف دارد، فیلم، موسیقی مسافرت، شرکت در همایش‌ها و غیره. یکی از انواع مطالعه برای من شرکت در این کلاس روزنه است به عنوان مثال از همین آرایه‌های دوستانم این را یاد گرفتم که اگر می‌خواهم از دقیقه‌ام لذت ببرم بهتر است توجهم را بر روی کاری که جاریست متمرکز کنم یعنی حواسم به کاری باشد که در آن لحظه در حال انجام آنم خوب این آموزه حاصلش این بود که حداقل یک بار سر شام به اینکه فردا چه قدر مشغله دارم، به اینکه هفته بعد چه قدر بدبختی دارم فکر نکردم و مزه‌ی غذا را به تمامی زیر زبانم حس نمودم، لذت بردم و آن شب را زندگی کردم.

والسلام...



دیگر دوستی موثر

مجیب امیر کمالی

حلقه‌ی مطالعاتی دریچه به عنوان یکی از گروه‌های زیر مجموعه‌ی خانه‌ی فرهنگی غدیر، نقد و بررسی کتاب "دیگر دوستی موثر" را در چند ماه اخیر در برنامه‌ی مطالعاتی خود داشته است. در یادداشت پیش‌رو بعد از معرفی کوتاهی از کتاب، مختصری از برداشت‌های اعضای این حلقه‌ی مطالعاتی در خصوص مطالب مطرح شده در این کتاب، بیان می‌گردد.

کتاب "دیگر دوستی موثر" نوشته‌ی پیتر سینگر و با ترجمه‌ی آرمین نیاکان در سال ۱۳۹۸ برای نخستین بار توسط نشر نی، منتشر گردید. این کتاب با ۲۴۴ صفحه، کتابی تقریباً مختصر و دارای متنی ساده و روان است که شما می‌توانید با خواندن آن از نگاه یک فیلسوف معاصر به مسله‌ی انجام امور خیریه، نگاهی مجدد داشته باشید. شما می‌توانید آنچنان که در مقدمه‌ی این کتاب به آن اشاره شده است از نگاه یک فیلسوف که حامی "اخلاق فایده‌گرایی" است با مبحث امور خیریه مواجه شوید و از نقطه نظرات و نتایج چنین دیدگاهی مطلع گردید. پیتر سینگر ایده‌ی "دیگر دوستی موثر" را بسیار ساده در این کتاب معرفی می‌کند و آن را در یک جمله چنین تعریف می‌کند: "باید بیشترین کار نیکی که می‌توانیم را انجام دهیم."

در این کتاب سینگر کوشیده است تا این موضوع را به خواننده انتقال دهد که "دنیا را می‌توانیم تغییر دهیم اما این کار بصورت آنی امکان پذیر نیست"، لذا او با پذیرش شرایط حاکم بر جامعه‌ی جهانی (یعنی شکاف بین کشورهای غنی و فقیر از لحاظ اقتصادی)، راهکارهای خود را برای رساندن بیشترین خیر ممکن به سایرین ارائه می‌دهد. سینگر با اشاره به اثرات بسیار مثبت زیستن با نگاه مبتنی بر "دیگر دوستی موثر" بر روی افراد نیکوکار، کوشیده است تا با تشویق سایرین به منظور پیوستن به پویش "دیگر دوستی موثر"، آنها را از اثرات سودمند این نوع روش زیستن آگاه کرده و در ضمن گامی بلند در راستای کاهش درد و رنج انسان‌های نیازمند نیز بردارد. مصطفی ملکیان در مقدمه‌ی این کتاب در شانزده بند به تشریح پیش‌فرض‌های موجود در نظریه‌ی "دیگر دوستی موثر"، اشاره کرده است.

عنوان‌ها و مطالب بسیار متنوعی تحت عنوان "دیگر دوستی موثر" در این کتاب مورد نظر سینگر قرار گرفته است که شما می‌توانید با خواندن اصل کتاب با آنها آشنا شوید و در صورتی که با نظرات نویسنده هم نظر بودید می‌توانید خودتان آنها را در زندگی خود به کار بگیرید و البته در گام بعدی نیز می‌توانید دیگران را به خواندن این کتاب ترغیب کنید.

در خصوص چگونگی انتخاب این کتاب باید اشاره کنیم که در اواخر سال گذشته، چند جلد از این کتاب از سوی یکی از اعضای خانه‌ی فرهنگی غدیر به این مجموعه هدیه گردید و با توجه به اینکه یکی از اهداف خانه‌ی فرهنگی غدیر در راستای کمک‌های نیکوکارانه به هموطنان می‌باشد، این کتاب در نوبت نقد و بررسی در این حلقه‌ی مطالعاتی قرار گرفت تا همیاران غدیر بیش از پیش با نظریات و دیدگاه‌های اندیشمندان در زمینه‌ی امور خیریه آشنا گردند. در خلال مباحث صورت گرفته شده در ماه‌های اخیر پیرامون مطالب و دیدگاه‌های حاکم بر این کتاب، مباحث بسیار زیادی در موافقت و همچنین مخالف با دیدگاه‌های سینگر ارائه گردید که شرح آن در این یادداشت کوتاه عملاً غیر ممکن می‌باشد، (شما در صورت علاقه می‌توانید با تماس با خانه‌ی غدیر از طریق اینستاگرام یا تلگرام و ارایه‌ی درخواست خود از ریز مباحث مطرح شده در این خصوص که به صورت فایل‌های صوتی و همچنین نوشتاری تهیه شده است، استفاده نماید).

اما در اینجا به ارائه‌ی یک جمع‌بندی از نظریات دوستان در خصوص این کتاب اکتفا می‌نماییم. اکثر دوستان حلقه‌ی مطالعاتی دریچه کوشش‌های نظری و عملی پیتر سینگر و کسانی که به پویش "دیگر دوستی موثر" پیوسته‌اند را شایسته بالاترین تقدیرها دانسته‌اند، از این جهت که آنها با نیتی نیکوکارانه در راستای کاهش حداکثری درد و رنج سایرین، دست به انجام فعالیت‌های خیرخواهانه زده و دیگران را نیز به این نوع فعالیت‌ها تشویق نموده‌اند.

بیشتر اعضای حلقه‌ی مطالعاتی دریچه مقوله‌هایی چون ساده زیستی، تصمیم‌گیری‌های منطقی، گیاه‌خواری، رعایت حقوق حیوانات و فصل "مقایسه‌های دشوار" از کتاب را از

جمله مباحثی دانسته‌اند که بیشترین میزان همدلی را با آنها داشته‌اند. اما در سوی دیگر نقدهای زیادی نیز به نوع نگاه سینگر وارد گردید، از جمله انتقاد از نوع نگاه غالباً مادی او در جهت انجام فعالیت‌های خیریه‌ای. از نظر پیتر سینگر تلاش برای دسترسی به منابع مالی باید در اولویت دیگر دوستان موثر قرار گیرد به دلیل آنکه آنها را قادر می‌سازد تا بیشترین خیر ممکن را به سایرین برسانند، اینگونه به نظر می‌آید که از نظر پیتر سینگر می‌توان با بدست آوردن منابع مالی کافی، درد و رنج انسان‌ها را پایان داد! انتقاد دیگر به نوع نگاه فایده‌گرایانه‌ی سینگر است. او با بهره‌گیری از نگاه فایده‌گرایانه در راستای رسیدن به اهداف خویش، حداقل میزان توجه به روش تحقق این اهداف را بیان می‌دارد و این موضوع در برخی از مثال‌های کتاب به وضوح، قابل مشاهده است. انتقاد دیگر در خصوص نوع مواجهه‌ی او با خیریه‌های کوچکی است که بهره‌وری بالایی ندارند، از منظر سینگر این خیریه‌ها به دلیل عدم توانمندی در رساندن بیشترین خیر ممکن می‌بایست از چرخه‌ی فعالیت‌های خیریه‌ای حذف گردند و جای آنها را خیریه‌هایی بزرگ و با بهره‌وری بالا بگیرند. انتقاد دیگر در خصوص نوع نگاه سرد و مکانیکی او به فرد و جامعه است. نگاهی که بیش از آن که اشاعه‌گر عشق، دوستی و از خود گذشتگی در میان انسان‌ها باشد ترویج دهنده‌ی استفاده کردن از تکنیک‌هایی در راستای افزایش رضایت‌مندی فرد از زندگی خویش است. نقد دیگر بر نظریات سینگر این است که او با پذیرش قواعد حاکم بر نظام سرمایه‌داری هیچ‌گونه انتقادی را متوجه تفکر سرمایه‌داری حاکم بر مناسبات جهانی نمی‌کند و حتی در جایی در کتاب اثر نگرش‌ها و فعالیت‌های سرمایه‌داری را بر روی ایجاد شکاف طبقاتی مابین کشورهای فقیر و غنی را غیر قابل اثبات می‌داند. به این ترتیب او با کمترین میزان توجه به اثرات تفکر سرمایه‌داری در ایجاد این شکاف طبقاتی، فعالیت‌های خود را غالباً به کمک‌هایی که مردم کشورهای ثروتمند می‌بایست به مردم کشورهای نیازمند کنند، معطوف می‌دارد.

بطور خلاصه اگرچه اکثریت دوستان حلقه‌ی مطالعاتی دریچه با بخشی از نظریات پیتر سینگر در کتاب "دیگر دوستی موثر" موافق بودند و احتمالاً در آینده از آنها در راستای زندگی خویش در خصوص کمک به دیگران بهره می‌برند، اما نظریات او را چنان نیافتند که خود را با عنوان "دیگر دوست موثر"، معرفی کنند.

دنیای امن

زهرا ابراهیمی

ملت همه ی زندگیشان را بار زده اند و با خودشان آورده اند لب ساحل. این طرف ها جا برای نشستن نیست. دراز میکشم روی شن های داغ و دارم سعی میکنم اندکی از آبی دریا را با نگاهم بدزدم که یک خانواده ی حقیقتا باشرف آریایی می آیند مینشینند جلوی من و چیزی از چشم انداز برایم باقی نمی گذارند. منظره ی دریا آنا" جایش را با منظره ی قلیان، تخمه، پوست پرتقال، لیوان یک بار مصرف، کاغذ شکلات و در کمال ناباوری پوشک بچه (کار کرده در حد نو) عوض میکند.

مادر با داد و بیداد اسم دختری را صدا میزند و میگوید که بیاید پیشش. رد نگاهش را دنبال میکنم، میرسم به این منظره. مادر بیخیال شده و من قضیه را چسبیده ام

ظاهرا بچه های فامیل او را راه نمی دهند، چون از همه کوچک تر است و نمی تواند سریع بدود. علاوه بر آن بزرگ ترین خبط دنیا را کرده. پیراهن چین دار قرمز پوشیده که رویش عکس هندوانه دارد. تازه جوراب های تور توریش هم به پیراهنش می آیند. نتیجه گیری گروه این است که خیر! او بچه است و باید با بچه ها بازی کند

درضمن آن ها گروه بندی کرده اند. دو گروه شده اند. تعدادشان هم زوج است. او جایی ندارد. از این گروه میدود سمت آن گروه و جای پایش روی شن ها می ماند (از این فاصله مشخص نیست ولی مطمئنم کفش هایش لااقل روی آسفالت بوق میزنند). بالاخره از نفس می افتد. یک پایش لیز میخورد و با صورت می افتد روی شن ها.

هیچ کس حواسش به او نیست. اول دماغش را بالا میشکد و بعد میبیند نمی تواند جلوی اشکش را بگیرد. محکم میزند زیر گریه. اشک مثل چی از چشم های درشتش پایین می آید.

بچه ها به بازیشان ادامه می دهند. پدرش به قلیان کشیدن و مادرش به پوست گرفتن پرتقال. زوم کرده ام روی دختر بچه که ناگهان فرشته ی نجات، از بیرون کادر وارد میشود. باید خواهر بزرگترش باشد. قسم میخورم بیشتر از پنج سال ندارد. کوچکه را توی بغلش میگیرد و به زحمت از روی زمین بلند میکند (طوری که پاهایش روی زمین کشیده میشود).

بقچه را مینشانند روی سنگ. حالا اشکش بند آمده و هاج و واج به صورت مصمم خواهرش در حین عملیات نجات خیره شده. بزرگه سگک کفش های بقچه را باز میکند و برایش در میآورد. حالا جوراب های تور توری بقچه بیشتر توی چشم میزند. حالا نوبت درآوردن آنهاست. یکی یکی درشان می آورد و گلوله میکند و توی کفش ها میگذارد (مشخص است درست تربیت شده)

پاهای بقچه از دم و دستگاه آزاد شده و نفس میکشد. آزادانه پاهایش را تکان میدهد. انگشت های پاهایش هر کدام اندازه ی یک لوبیاست آنها هم لوبیا قرمز. چون رویشان لاک دارد (اینهم احتمالا کار بزرگه است)

فرشته او را از جا بلند میکند و دوباره میگذارد روی زمین. دستش را میگیرد و آرام به سمت موج ساحل پیش میبرد. کوچکه ذوق کرده. زیر نور مسی رنگ غروب بدجوری می درخشند. بقچه از آب می ترسد. با اولین موج جیغ میکشد و میروود عقب. بعد به فرشته نگاه میکند. دلش قرص میشود. آرام آرام می آید سمت آب و تست پایش را با احتیاط توی آب فرو میکند. از خنک بودن آب جیغ میکشد. فرشته دستش را به سمت او دراز میکند. بقچه دستش را میگیرد و خودش را پرت میکند سمت او.


موج می آید سمت آنها. دونفری جیغ میزنند و به سمت ساحل فرار میکنند.

هر دفعه که چشم بقچه به موج میخورد کارش همین است. اینقدر خودش را میاندازد بغل فرشته تا بالاخره ترسش میریزد. حالا شروع میکند به آب بازی. دیگر نمی ترسد و از خوشحالی جیغ میزند.

از این جایی که نشستیم تصویر کفش های کوچک بقچه با سگک های باز و جوراب هایی که در آن گلوله شده، کنار تخته سنگ به چشم میخورد...

و تصویر قلیان ها و پوست تخمه ها، پدر مادرهای بیخیال و بازی گروه بچه های نر را از یادم میبرد.



تکرار تنهایی، عکس از مهسا صحبتی 

گزارش داخلی خرداد ۱۳۹۹

به لطف خداوند و کمک‌های بی‌دریغ شما خوبان سبد کالای نوبت سوم به خانواده‌های عزیزمون تحویل داده شد و سبب شادی دل‌ها شد.

- ۱۰ کیلو برنج
- دو عدد ماکارونی ۷۰۰ گرمی
- ۲ عدد مرغ کامل
- ۲ عدد روغن مایع
- ۱ بطری بزرگ روغن مایع غیرتراریخته
- ۲ عدد سویا
- ۳ کیلو قند
- ۲ قوطی رب
- ۱ کیلو آرد
- ۲ عدد پنیر
- ۲ ظرف ترشی خانگی غدیر
- ۱ شیشه کوچک مایع ضد عفونی کننده دست

عشق و برکت برایتان
خانه فرهنگی غدیر